

مدافعان امروزی یک قانون، فردا منقدان دوآتشه آن می‌شوند!

چهارم دهر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند.

نماینده مجلس مداد نیست که در برابر سیاستهای کشور بی تفاوت باشد. موجود سلوب الاختیاری هم نیست که هر چه به او گفتند سرش را بجنباند و تأیید کند. نماینده مجلس در برابر هر اتفاقی که برای کشور و مردم پیش آید مسئول است و باید جوابگو باشد. نمایندگان مجلس و قوه مقننه در مورد تورم سرسام آور کنونی، سیاست‌گذارهای غلط دولت، افزایش ناگهانی بهای ارز و طلا یعنی کاهش شدید ارزش ریال، و تمام مشکلات دیگر کشور مسئولیت داشته‌اند و باید جوابگو باشند.

تذکار یک موضوع دیگر

نکته دیگری که به نظر حقیر از جهت مصالح کشور تذکر آن لازم است مربوط به عده‌ای از نمایندگان است که پیش از دستور سخن می‌گویند. این آقایان عموماً پیش از آغاز مطالب اصلی بخشی از وقت خود را طبق الگویی یکنواخت و یکسان صرف تجلیل و تحسین و اظهار تمیث از مقام رهبری جمهوری اسلامی و آقای

نظام جمهوری اسلامی و مقام رهبری و ریاست جمهوری آن می‌زند. کسانی که این کار را می‌کنند متوجه این واقعیت نیستند که باطناً هر نیتی داشته باشند ظاهراً عمل آنها شباهت تامی با سنت مشابهی در رژیمهای سلطنتی گذشته دارد. اشخاصی که پیش از دو دهه از سنشان می‌گذرد به خاطر دارند که هر سخنران پیش از انقلاب مجبور و موظف بود که در آغاز سرسپردگی خود را به «آریامهر» با آب و تاب بیان کند بگونه‌ای که این نوع سخنان تملق‌آمیز موجب اشمناز می‌شد.

در دوران پیش از آن نیز کمتر سخنرانی جرأت داشت گفتار خود را بدون اظهار به نام نامی بندگان... آغاز کند. این در دوران مشروطه اسمی و ظاهری و وجود مجلس فرمایشی بود. تکلیف دوران استبداد دیگر معلوم است.

با این وصف آیا شایسته است که ما از روشی پیروی کنیم که ولو ظاهراً شباهتی با چنین سنت مذمومی داشته باشد؟ من مطمئنم که نه مقام رهبری جمهوری اسلامی و نه آقای رئیس جمهور با ادامه این روش موافقتی ندارند. منتها چون نمی‌خواهند در کار مجلس و نمایندگان مداخله کنند، از منع صریح این روش خودداری می‌کنند. بنابراین به عقیده ما شایسته است ریاست مجلس این موضوع را مورد توجه قرار دهد.

رئیس جمهور می‌کنند. در مواردی شنیده شده است که نماینده‌ای برای طرح یک درخواست عمرانی عادی چنان از ردیف چینی کلمات بهره جسته که این توهم ایجاد می‌شود آن کار پیش افتاده از توصیه‌های مقام رهبری است. یا نماینده‌ای حفر یک حلقه چاه عمیق یا کشیدن چند کیلومتر راه شوسه در حوزه انتخابیه‌اش را چنان با آب و تاب شرح می‌دهد که گوئی مشغول تشریح بزرگترین توفیق عمرانی دولت آقای هاشمی رفسنجانی است. چنین روشی مغایر با باورهای عقیدتی و فرهنگی انقلاب سال ۱۳۵۷ است، اما متأسفانه این کار اکنون می‌رود که صورتی عام به خود بگیرد در حالی که از دو جهت مطابق مصلحت نیست، جهت اول که شاید کم اهمیت‌تر باشد صرف بخشی از وقت محدود سخنرانی قبل از دستور برای ایراد سخنانی است که هم بدیهی و توضیح واضحات است، و هم هیچ ارتباطی با مطلب اصلی او ندارد. در نتیجه غالب سخنرانان پیش از دستور در پایان مدت وقت کم می‌آورند و با وجود احتیاط رئیس مجلس چند دقیقه اضافه صحبت می‌کنند و وقت مجلس را می‌گیرند.

اما مهمتر از آن لطمه‌ای است که این کار به حیثیت

بورس؛ عامل بیکاری و تخریب اقتصاد

هر روز در بورس لندن بطور متوسط ۱۵ میلیارد دلار، در بورس نیویورک نزدیک به یکصد میلیارد دلار و در بورس پاریس ۵ میلیارد دلار سهام معامله می‌شود بدون آنکه در سازمان هیچ شرکتی که سهام آن در بورس معامله می‌شود تغییری رخ داده شود.

روزانه هزاران صفحه از روزنامه‌های جهان اختصاص به درج اخبار و تحولات بورس‌ها دارد، آژانسهای خبری ۲۴ ساعته اخبار بورس‌های جهان را مخابره می‌کنند و در اکثر کشورها، کامپیوترهای عظیم در خدمت بورس است.

اینک چپ‌ها در بسیاری از کشورها لبه تیز حملات خود را متوجه بورس‌بازی کرده‌اند و اصرار دارند این آفت اجتماعی-اقتصادی که گروهی را راحت و بدون زحمت میلیاردی و گروهی را فقیر می‌کند باید ریشه کن شود.

۱۹۹۳ کسانی که پولهایشان را در بورس بکار انداختند بیش از ۲۵ درصد بهره گرفتند در حالیکه نرخ رسمی بهره در بانکها بزحمت به ۷ درصد می‌رسید. چپ‌ها را اعتقاد بر اینست که باید مالیات هنگفتی بر بورس‌ها بست تا تب بورس‌بازی فروکش کند.

به موجب محاسباتی که انجام شده در بورس‌های جهان روزانه بیش از یکصد میلیارد دلار معامله انجام می‌شود. بدون هیچ دلیل ناگهانی قیمت سهام جنرال الکتریک بالا می‌رود و قیمت سهام آلستوم پائین می‌آید. سهام هزاران مؤسسه و کارخانه یکروز بالاست، و روز بعد پائین، بدون آن که کوچکترین تغییری در آن مؤسسه یا کارخانه روی داده باشد.

دلار یکروز ۵ درصد بالا می‌رود، و فردا سقوط می‌کند، آن هم بی آنکه در شرایط اقتصادی امریکا تغییری روی دهد.

احزاب و گروه‌های مترقی اروپا اخیراً در مبارزات انتخاباتی خود حملاتشان را متوجه بورس و بورس‌بازی کرده‌اند. چپ‌ها (برخلاف استبدادی که ما در ایران داریم در غرب چپ به همه گروه‌ها، احزاب و افرادی اطلاق می‌شود که مخالف محافظه کارانند، طالب عدالت اجتماعی، تعدیل ثروت، اقتصاد مختلط پیشرفت، حامی افکار و نظرات در جهت رفاه عمومی هستند. به طور کلی طیف چپ شامل سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، رادیکال‌های چپ، سوسیال دموکرات‌ها، سبزها و همه احزاب و سازمانهای نظیر آنها می‌شود) معتقدند بورس عاملی است که موجب می‌شود سرمایه‌داران به جای آنکه سرمایه‌های خود را در راه تولید بکار اندازند وارد بورس می‌کنند. نتیجه: تعداد بیکاران افزایش می‌یابد و گروهی بدون کار و زحمت یک شبه صاحب ثروت‌های هنگفت و گروهی دیگر تهی دست می‌شوند. در سال